

مقاله امنیت در گفتمان سیاست خارجی حسن روحانی و ابراهیم رئیسی؛ عناصر و مفصل‌بندی‌های متمایز

حیدرعلی مسعودی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

چکیده

مقاله امنیت از همواره جایگاه محوری در گفتمان‌های سیاست خارجی ایران برخوردار بوده است. دولت‌های مختلف به اقتضای بستر فکری و اجتماعی و همین‌طور ضرورت‌های عملی سیاست خارجی خود، ادراکات مختلفی از مقوله امنیت داشته‌اند. از آنجا که عموماً گفتمان دولت‌ها در گسست از گفتمان‌های دولت‌های قبیل شکل می‌گیرد، مواضع دولتمردان جدید در سال اول شروع به کار آنها از اهمیت زیادی در مرزبندی‌های گفتمانی میان آنها برخوردار است. بر این اساس، سؤال اصلی مقاله این است که حسن روحانی و ابراهیم رئیسی در برهه ابتدایی تشکیل دولت‌های خود چه گفتمان‌هایی درباره مقوله امنیت داشته‌اند و وجوه تمایز این گفتمان‌ها کدام‌اند؟ این مقاله از چارچوب تحلیل امنیتی لین هنینسن استفاده می‌کند و بر اساس روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف، در صدد تحلیل صورت‌بندی‌های گفتمانی روحانی و رئیسی در حوزه امنیت، «دیگری» گفتمانی آنها و بر ملا کردن نشانه‌های گفتمانی آنهاست. به این منظور، متن سخنرانی‌های روحانی و رئیسی در سال اول جمع‌آوری و بر اساس میزان ارتباط با مفهوم امنیت و با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا مورد تحلیل قرار گرفتند. استدلال اصلی مقاله این است که گفتمان حسن روحانی درباره امنیت، بر اساس دال مرکزی منافع مشترک و در تضاد با خشونت و افراط‌گرایی به مثابه «دیگری» و در مقابل، گفتمان ابراهیم رئیسی درباره امنیت، بر اساس دال مرکزی عدالت و در تضاد با «دیگری» سلطه‌طلبی و دخالت قدرت‌های خارجی شکل گرفته است. دال‌های مرکزی متفاوت، امکان/عدم امکان تعریف منافع مشترک امنیتی، دستورکارهای امنیتی متفاوت و نحوه پیش‌بینی پیامدهای امنیتی نظم در حال گذار بین‌المللی از جمله مهم‌ترین تمایزهای گفتمانی روحانی و رئیسی است. بر این اساس، ابتدا چارچوب مفهومی و روش‌شناسی توضیح داده می‌شود. سپس گفتمان امنیت روحانی و رئیسی در دو بخش مورد تحلیل و در بخش سوم مورد مقایسه قرار می‌گیرند. در پایان، نتیجه‌گیری مقاله خواهد آمد.

واژگان کلیدی: امنیت، گفتمان، سیاست خارجی ایران، حسن روحانی، ابراهیم رئیسی.

مقدمه

مفهوم امنیت یکی از مهم‌ترین مقولات سیاست خارجی کشورها تلقی می‌شود. اساساً یکی از وظایف مهم دولت‌ها تأمین امنیت و به تعبیر یکی از اساتید ایرانی روابط بین‌الملل (سیف‌زاده ۱۳۸۳) «دولت کارخانه تولید امنیت برای انسان و جامعه» است. امنیت را به هر معنای عینی، ذهنی یا گفتمانی که به کار ببریم (Buzan and Hansen 2009: 34) و دامنه آن را مضیق یا موسع بدانیم (Buzan, Wæver, and Wilde 1998: 2-3)، وجه مشترک همه این رویکردها، حفظ «خود» در برابر تهدیدات متنوع ناشی از «دیگری» است. بنابراین جدای از اهمیت تأمین امنیت به عنوان وظیفه ذاتی دولت، مقوله امنیت به بخشی از رقابت‌ها و منازعات گفتمانی در عرصه سیاست داخلی و بین‌المللی کشورها شکل می‌دهد و در واقع، یکی از مهم‌ترین عناصر تمایزبخش میان جریان‌های سیاسی مختلف است.

اگرچه مرجع اصلی امنیت را باید دولت-ملت یعنی ورای احزاب و جریان‌های سیاسی مختلف دانست، اما امروزه با توجه به گسترش معنایی امنیت و تنوع موضوعات امنیتی که دولت‌ها (به معنای قوه مجریه) با آنها درگیرند (Acharya 2018: chapter 5)، چگونگی صورت‌بندی مقوله امنیت توسط کارگزاران سیاسی در دوره‌های مختلف از اهمیت انکارناپذیر در گفتمان‌های سیاست خارجی کشورها برخوردار است. به‌طور خاص، دولت‌های مختلف ایران با توجه به پیشینه فکری و ایدئولوژیک کارگزاران خود و موضوعات امنیتی که در حوزه سیاست خارجی با آن مواجه بودند، خوانش‌های متفاوتی از مقوله امنیت را در گفتمان‌های سیاست خارجی خود بازتاب می‌دهند؛ خوانش‌هایی که در دولت‌های اخیر ایران یعنی دولت حسن روحانی و دولت ابراهیم رئیسی قابل توجه بوده ولی تاکنون مورد مطالعه قرار نگرفته است.

مهمترین مسئله سیاست خارجی در شروع کار هر دو دولت روحانی و رئیسی مسئله هسته‌ای بود که عمدتاً ماهیت امنیتی داشت. دولت حسن روحانی میراث‌دار قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت بود که بر اقتصاد کشور تأثیرات نامطلوبی گذاشته و تنش‌های امنیتی ایران و غرب را به سطح بی‌سابقه‌ای رسانده بود. به همین دلیل، موضوعات سیاست خارجی و امنیت ملی از مهم‌ترین مسائلی بود که مرزبندی‌های گفتمانی در ایام انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ را شکل می‌داد. دولت ابراهیم رئیسی هم میراث‌دار تحریم‌های جدید ناشی از خروج یکجانبه دولت ترامپ از برجام و همچنین مذاکرات ناتمام ایران و کشورهای

چهار به علاوه یک برای احیای برجام بود. اگرچه دولت رئیسی با شعارهای عمدتاً اقتصادی و معیشتی به قدرت رسید و بدنه رسانه‌ای دولت تلاش کرد از شرطی کردن اقتصاد به مذاکرات هسته‌ای جلوگیری کند (رئیس، ۱۴۰۰)، با وجود این، دولت رئیسی با وعده «رفع تحریم‌ها» و «مذاکره از موضع قدرت» به صحنه آمد و مذاکرات احیای برجام را با مدیریت و رویکرد جدید ادامه داد.

علی‌رغم مسائل و موضوعات مشترکی که دولت‌های مختلف با آن مواجه‌اند، عموماً گفتمان دولت جدید در گسست از گفتمان دولت قبل شکل می‌گیرد؛ چرا که بسترهای فکری، سیاسی و اجتماعی کارگزاران دولت‌ها از یکدیگر متفاوت‌اند. بازتاب این تفاوت خودش را در گفتمان‌های سیاسی آنها نشان می‌دهد؛ یعنی آنجایی که آنها مفهوم‌بندی‌ها، برداشت‌ها و راه‌حل‌های متفاوت از دولت قبلی برای حل مسائل مختلف از جمله مسائل سیاست خارجی ارائه می‌کنند. این تمایزهای گفتمانی بیش از همه در مقطع شروع به کار دولت نمایان است؛ چرا که دولت تازه کار در صدد نشان دادن توانایی فکری و عملی خود در حل مسائل سیاست خارجی است. به همین دلیل، مواضع دولت‌مردان جدید در سال اول شروع به کار آنها از اهمیت زیادی در متمایز شدن از پیشینیان و همچنین رقبای کنونی برخوردار است. بر این اساس، برهه ابتدایی آغاز به کار دولت روحانی و رئیسی از منظر مواجهه با مسائل امنیتی در حوزه سیاست خارجی، زمینه مناسبی برای کنکاش در دیدگاه‌های متفاوت و بعضاً متناقض نخبگان رسمی درباره مقولات سیاست خارجی و امنیتی به شمار می‌رود.

این نکته باید مورد تأکید قرار گیرد که نگارنده نمی‌خواهد دستاوردهای سیاست خارجی دولت روحانی در هشت سال را با دستاوردهای دولت رئیسی در یک سالی که عمر آن می‌گذرد مقایسه کند، چرا که چنین مقایسه‌ای نامتوازن و در نتیجه غیرعلمی خواهد بود. در مقابل، بررسی گفتمان‌های سیاست خارجی سال اول این دو دولت نه تنها امکان‌پذیر و به لحاظ روش‌شناختی قابل دفاع است، بلکه می‌توان این گفتمان‌های اولیه را چارچوب‌های فکری اصیل و واقعی نخبگان جدیدی است هر چهار یا هشت سال سکان قوه مجریه را در دست می‌گیرند. معمولاً گفتمان دولت‌ها به دلیل اقتضائات داخلی و بین‌المللی در طول زمان دچار تغییر و تحول می‌شوند و نظم گفتمانی اولیه خود را از دست می‌دهند. به عنوان نمونه گفتمان اولیه سیاست خارجی دولت روحانی عمدتاً بر اروپاگرایی استوار بود اما بعد از خروج دولت ترامپ از برجام و ناتوانی اروپایی‌ها در عمل به تعهدات برجامی، این گفتمان از اروپاگرایی به سمت آسیاگرایی متمایل شد.

از نظر برخی تحلیل‌گران این گرایش جدید گفتمانی صرفاً ناشی از اضطراب یا با هدف اهرم‌سازی بر ضد کشورهای غربی بوده است و بنابراین نمی‌توان آن را گفتمان اصیل و مطلوب آن دولت دانست. اگرچه می‌توان تحولات گفتمانی دولت‌های مختلف را به صورت جداگانه بررسی کرد، اما هدف این مقاله از بررسی مقایسه‌ای گفتمان‌های دولت روحانی و رئیسی، نشان دادن عناصر و صورت‌بندی‌های متمایزی است که دو گروه از نخبگان سیاسی ایران با خاستگاه‌ها و گرایش‌های فکری کاملاً متفاوت در حوزه سیاست خارجی به کار می‌برند. اگرچه بنا به رویه‌های موجود، مرجع اصلی تولیدکننده گفتمان امنیت در جمهوری اسلامی ایران مقام رهبری است، اما نقش کارگزاران قوه مجریه در جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات، چارچوب‌بندی موضوعات امنیتی، تدوین گزارش‌های راهبردی درباره گزینه‌های بدیل برای تصمیم‌گیری و ارائه چشم‌انداز درباره پیامدها و وضعیت‌های محتمل ناشی از تصمیمات مختلف در حوزه امنیت انکارناپذیر است.

از این رو سوال اصلی مقاله این است که حسن روحانی و ابراهیم رئیسی چه رویکردهایی نسبت به مقوله امنیت در برهه ابتدایی تشکیل دولت یعنی یک سال اول داشته‌اند؟ هدف مقاله، شناسایی عناصر مقوم مقوله امنیت در گفتمان‌های سیاست خارجی ایران است که به فهم بهتر از کنش‌های سیاست خارجی ایران کمک خواهد کرد. بر این اساس، ابتدا چارچوب مفهومی و روش‌شناسی توضیح داده می‌شود. سپس گفتمان امنیت در دولت‌های روحانی و رئیسی مورد تحلیل و مقایسه قرار می‌گیرند. در پایان، نتیجه‌گیری مقاله خواهد آمد.

چارچوب مفهومی: تحلیل گفتمان امنیتی لین هنسن

امنیت یکی از مقولات اصلی روابط بین‌الملل و مهم‌ترین دغدغه دولت است. رویکردهای نظری مختلفی نسبت به مفهوم امنیت در روابط بین‌الملل وجود دارد. واقع‌گرایان کلاسیک مانند هانس مورگنتا امنیت ملی را «یکپارچگی قلمرو و نهادهای ملی» (Morgenthau and Thompson 1993: 440) و واقع‌گرایان ساختاری مانند والتز امنیت دولت را در سایه راهبردهای قدرت هژمونیک (Waltz 2006: 106) تعریف می‌کنند. لیبرال‌های روابط بین‌الملل مانند جوزف نای از تحقق امنیت جمعی به مثابه «مسئولیت مشترک دولت‌ها برای مقابله با بازیگر متجاوز» (Nye and Welch 2017: 118) و جان ایکنبری از «وابستگی متقابل امنیتی» (Ikenberry 2011: xiii) صحبت می‌کنند. سازه‌انگاران مانند آدلر بر «ابعاد شناختی

اجتماعات امنیتی» (Adler and Barnett 1998:chapter 2) (Adler 2007:182–184) و جنیفر میتزن بر «امنیت هستی‌شناختی» (Mitzen 2006) تأکید دارند. طرفداران دیدگاه‌های پست مدرن در حوزه امنیت مانند لین هنسن از اهمیت سازه‌های گفتمانی در ادراک امنیت و ناامنی سخن می‌گویند و از ابزار تحلیل گفتمان برای شناخت این سازه‌های گفتمانی کمک می‌گیرند (Hansen 2006). هنسن از پیشروان رهیافت‌های گفتمانی در حوزه مطالعات امنیتی است. او از وجود لایه‌های گفتمانی مختلف درباره امنیت شامل گفتمان‌های رسمی، گفتمان‌های سیاسی کلان و گفتمان‌های حاشیه‌ای سخن می‌گوید (Hansen 2006:66–67). جنیفر میلیکن نیز از سه نوع تحلیل گفتمانی در روابط بین‌الملل شامل تحلیل‌های سیاست خارجی، نظریه روابط بین‌الملل و دیپلماسی / سازمان‌های بین‌المللی نام می‌برد (Milliken 1999). در این مقاله تلاش می‌شود گفتمان‌های رسمی سیاست خارجی روحانی و رئیسی با تمرکز بر مقوله امنیت و با استفاده از چارچوب پیشنهادی لین هنسن مورد تحلیل قرار گیرد. همان‌طور که در نمودار زیر مشخص است، این چارچوب چهار جزء دارد که شامل «خودها» یا سوژه‌های گفتمان‌ساز، نوع گفتمان مورد مطالعه، بازه زمانی و تعداد رویدادهای انتخابی برای مطالعه است.

نمودار ۱ اجزای تحلیل گفتمان از نظر لین هنسن (Hansen 2006: 67)



دلیل انتخاب این چهارچوب این است که می‌تواند امکان مقایسه بین صاحبان گفتمان‌های مختلف یعنی «خودها» را در برهه خاص یعنی یک سال اول شروع کار حسن روحانی و ابراهیم رئیسی فراهم کند. در نمودار زیر کاربست این چارچوب در موضوع این مقاله آمده است.

نمودار ۲ اجزای تحلیل گفتمان روحانی و رئیسی درباره امنیت



روش‌شناسی

در این مقاله از روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف برای بررسی صورت‌بندی‌های گفتمانی مرتبط با مقوله امنیت در گفتمان‌های روحانی و رئیسی استفاده می‌شود. لاکلا و موف خود و دیگری را ساخته گفتمان‌ها می‌دانند. این گفتمان‌ها هستند که سوژه‌های فردی و جمعی انسانی را به قرار گرفتن در موقعیت‌های مختلف سوژگی فرامی‌خوانند. هر گفتمانی در تضاد با گفتمان‌های دیگر شکل می‌گیرند. از این منظر، دغدغه اصلی تحلیل گفتمان، تحلیل نحوه شناخت سوژه‌های انسانی از خود و دیگری و در نتیجه تحلیل منازعات هویتی است (Laclau and Mouffe 1985: 20-21).

اگر امنیت را به معنای حفظ «خود» در برابر «دیگری» تعریف کنیم، می‌توان ادعا کرد که تحلیل رویکردهای امنیتی نیازمند تحلیل صورت‌بندی‌های گفتمانی است که به هویت‌ها شکل می‌دهند. دولت‌های مختلف تلاش می‌کنند صورت‌بندی‌های گفتمانی مختلفی از مقولات بنیادین حکمرانی مانند امنیت ارائه کنند تا بتوانند در رقابت با گفتمانی دیگر عرض

اندام کرده و افکار رای دهندگان را شکل دهند. از این رو، برای تحلیل رویکرد روحانی و رئیسی به مقوله امنیت، باید صورت‌بندی‌های گفتمانی انسجام‌بخش مقوله امنیت در مواضع آنها مورد تحلیل قرار گیرد. به نظر می‌رسد که چارچوب تحلیلی لا کلا و موف می‌تواند در این تحلیل به کار آید. در ادامه به طور مختصر به مفاهیم این چارچوب اشاره می‌شود.

دال مرکزی: به مفهومی اطلاق می‌شود که انسجام معنایی گفتمان را شکل می‌دهد. به عبارت دیگر، مفهوم مرکزی گفتمان است که عناصر^۱ گفتمانی دیگر در پیوند یا مفصل‌بندی با آن انسجام معنایی پیدا می‌کنند. دال‌هایی که حول دال مرکزی گردهم می‌آیند، وقته^۲ نام دارند.

مفصل‌بندی: به تعبیر لا کلا و موف «ما هر عملی را که منجر به برقراری رابطه‌ای بین عناصر شود، به نحوی که هویت این عناصر در نتیجه عمل مفصل‌بندی تعدیل و تعریف شود، مفصل‌بندی می‌نامیم» (Laclau, Mouffe 1985: 105).

غیریت^۳: گفتمان‌ها از طریق برساختن «غیریت» یا «دیگری»، به تثبیت معنا کمک می‌کنند. اساساً یک گفتمان در تضاد با گفتمان‌های دیگر معنا پیدا می‌کند. این کار از طریق زنجیره‌های هم‌ارزی و مبتنی بر تفاوت منجر به مرزبندی میان سوژه «خود» و «دیگری» می‌شود. در کنار مفهوم غیریت، منطق تفاوت^۴ و زنجیره هم‌ارزی^۵ به وجود می‌آید. منطق تفاوت بر مرزبندی میان نیروهای اجتماعی تأکید دارد. زنجیره هم‌ارزی نیز به معنای مفصل‌بندی عناصر گفتمانی در یک زنجیره معنایی در مقابل «دیگری» یا «غیر» است. برای نمونه، لا کلا و موف به زنجیره هم‌ارزی «برابری = هویت = تمامیت خواهی» در مقابل زنجیره هم‌ارزی «حق تفاوت = نابرابری = آزادی» در گفتمان‌های سیاسی چپ و راست اشاره می‌کنند (Laclau, Mouffe 1985: 174).

از این مفاهیم در تحلیل گفتمان روحانی و رئیسی درباره امنیت استفاده خواهد شد. فرایند پژوهش در سه مرحله اصلی انجام می‌شود. مرحله اول پژوهش، انتخاب متون به عنوان واحد تحلیلی این پژوهش است. جامعه آماری متون مورد بررسی، شامل همه سخنرانی‌ها و

1. element
2. moment
3. otherness
4. Logic of difference
5. Chain of equivalence

مواضع حسن روحانی و ابراهیم رئیسی در سال اول است. مواضع و سخنرانی‌های در این دوره جمع آوری و بر اساس معیارهای ارتباط موضوعی با امنیت و سیاست خارجی، فراوانی واژگان مرتبط با امنیت و اهمیت سخنرانی بر اساس رویه جمهوری اسلامی ایران نمونه‌گیری شده است. لیست متون مورد بررسی در زیر آمده است.

متون مورد بررسی	
<ul style="list-style-type: none"> • سخنرانی در مراسم تودیع و معارفه وزیر کشور (۲۸ مرداد ۱۳۹۲) • سخنرانی در نشست سران شانگهای در قرقیزستان (۲۲ شهریور ۱۳۹۲) • سخنرانی روحانی در مجمع عمومی سازمان ملل (۳ مهر ۱۳۹۲) • متن مصاحبه با شبکه سی ان ان (۳ مهر ۱۳۹۲) • سخنرانی در دیدار با اعضای اندیشکده‌های آمریکایی در نیویورک (۴ مهر ۱۳۹۲) • سخنرانی در جمع اعضای انجمن آسیایی شورای روابط بین‌الملل آمریکا (۵ مهر ۱۳۹۲) • سخنرانی در مراسم دانش آموختگی دانشگاه علوم انتظامی امین (۱۷ مهر ۱۳۹۲) • سخنرانی در ۴۴ امین اجلاس مجمع جهانی اقتصاد در داووس سوئیس (۳ بهمن ۱۳۹۲) • سخنرانی در جمع سفرا و نمایندگی‌های کشورهای خارجی در ایران (۲۱ بهمن ۱۳۹۲) • سخنرانی در مراسم ۳۵ امین سالگرد انقلاب اسلامی (۲۲ بهمن ۱۳۹۲) • سخنرانی در کنفرانس اتحادیه مجالس کشورهای سازمان همکاری اسلامی در تهران (۲۹ بهمن ۱۳۹۲) • سخنرانی در همایش مدیران ارشد وزارت دفاع (۱۰ اسفند ۱۳۹۲) • سخنرانی در جمع استادان و دانشگاهیان کشور عمان در مسقط (۲۲ اسفند ۱۳۹۲) • سخنرانی در صبحانه کاری با تجار و اندیشمندان چینی در چین (۱ خرداد ۱۳۹۳) • سخنرانی در دیدار مسئولان نظام با مقام رهبری (۱۷ تیر ۱۳۹۳) • سخنرانی در همایش روسای نمایندگی‌های ایران در خارج کشور (۲۰ مرداد ۱۳۹۳) 	<p>متون حسن روحانی</p>
<ul style="list-style-type: none"> • گفتگو با صدا و سیما (۱۳ شهریور ۱۴۰۰) • سخنرانی در اجلاس شانگهای در تاجیکستان (۲۶ شهریور ۱۴۰۰) • سخنرانی مجازی در مجمع عمومی سازمان ملل (۳۰ شهریور ۱۴۰۰) • سخنرانی در اجلاس اکو (۷ آذر ۱۴۰۰) • مواضع در دیدار با پوتین در مسکو (۲۹ دی ۱۴۰۰) • سخنرانی در دومای روسیه (۳۰ دی ۱۴۰۰) • سخنرانی در دیدار سفرای خارجی مقیم ایران (۲۱ بهمن ۱۴۰۰) • سخنرانی در مجمع صادرکنندگان گاز در قطر (۳ اسفند ۱۴۰۰) • سخنرانی در نشست غیر حضوری سران بریکس پلاس (۳ تیر ۱۴۰۱) • سخنرانی در ششمین اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر (۸ تیر ۱۴۰۱) • سخنرانی در هفتمین اجلاس سران کشورهای ضامن روند آستانه (۲۸ تیر ۱۴۰۱) • سخنرانی در هفتاد و هفتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل (۳۰ شهریور ۱۴۰۱) 	<p>متون ابراهیم رئیسی</p>

گزاره‌های مرتبط با مقوله امنیت در این متون با استفاده از نرم افزار مکس کیودا استخراج و مورد تحلیل قرار گرفتند. مرحله دوم، تحلیل محتوای کیفی متون برای شناسایی عناصر گفتمانی یا همان دال‌های گفتمانیِ تکوین‌بخش مقوله امنیت است. در این مرحله، از روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف استفاده می‌شود تا دال اصلی، نحوه مفصل‌بندی عناصر گفتمانی مرتبط با مقوله امنیت، غیریت یا دیگری گفتمانی و بی‌قراری در نظام معنایی گفتمانها مشخص شود. مرحله سوم مقایسه نظام معنایی امنیت در گفتمان‌های دولت روحانی و رئیسی و پیامدهای نظری و عملی مترتب بر آنهاست. نتایج این پژوهش را در سه بخش بعدی مقاله می‌آورم. در ادامه، مقوله امنیت در گفتمان سیاست خارجی حسن روحانی در سال اول مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گفتمان حسن روحانی درباره امنیت

حسن روحانی را می‌توان امنیتی‌ترین رئیس جمهور ایران دانست. سابقه عضویت در شورای عالی دفاع (۱۳۶۱-۱۳۶۷)، معاونت فرماندهی جنگ (۱۳۶۲-۱۳۶۴)، فرماندهی پدافند هوایی کشور (۱۳۶۴-۱۳۷۰) و دبیری شورای عالی امنیت ملی (۱۳۶۸-۱۳۸۴) از مهمترین مسئولیت‌های امنیتی او به شمار می‌روند. تجربه او در هدایت مذاکرات حساس هسته‌ای در فاصله سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۴ نیز از او چهره بین‌المللی ساخته بود. با نامزدی و سپس پیروزی او در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ این انتظار فزاینده شکل گرفت که او می‌تواند با تکیه بر تجربه دیپلماتیک و قدرت اجماع‌سازی در داخل، گره مهمترین مسئله امنیتی دوره جمهوری اسلامی ایران یعنی پرونده هسته‌ای را باز کند.

حسن روحانی در شرایطی به قدرت رسید که ایران دوره پرتنش را در عرصه بین‌المللی سپری می‌کرد. گفتمان بین‌المللی تنش‌زای احمدی‌نژاد که در قالب مقولاتی مانند نفی هولوکاست، نابودی اسرائیل و کاغذپاره خواندن قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت نمود یافت، در کنار توسعه سریع برنامه هسته‌ای ایران شرایط انزوای بین‌المللی ایران را بیش از پیش فراهم کرده بود. مذاکرات هسته‌ای ایران با قدرت‌های جهانی به سرپرستی سعید جلیلی نیز در مسیر امیدوارکننده‌ای قرار نداشت، تا جایی که با پیشنهاد علی اکبر صالحی وزیر خارجه وقت و موافقت رهبری، مسیر مذاکرات سَرّی معروف به کانال عمان باز شد و بنا به گفته علی اکبر صالحی، خواست رهبری این بود که مواضع و گفتمان متفاوتی در این مذاکرات در پیش

گرفته شود (ظریف، صالحی، عراقچی و تخت روانچی، ۱۴۰۰: جلد اول ۱۴۴). روی هم‌رفته به نظر می‌رسید که مجموعه نظام احساس می‌کرد که باید گفتمان و رفتار ایران در موضوع هسته‌ای تغییر نسبی پیدا کند تا بتوان کشور را از تنگنا خارج کرد. حسن روحانی می‌توانست نماد این تغییر باشد.

حسن روحانی در اولین مصاحبه خود در وزارت کشور از زیان «افراط‌گرایی» برای منافع کشور و «امنیت جهانی» سخن گفت (روحانی ۱۳۹۲ ک). مقوله افراط‌گرایی در شرایط سیاسی سال ۱۳۹۲ به گفتمان احمدی‌نژاد ارجاع می‌داد که به دلیل گستردگی اجماع داخلی در حمایت از این گفتمان و همچنین بروز آثار زیانبار قطعنامه‌های تحریمی، به تدریج دچار تزلزل و به تعبیر لاکلا و موف بیقراری گفتمانی شده بود. همین بی‌قراری و تزلزل گفتمانی زمینه را برای شکل‌گیری صورت بندی‌های گفتمانی بدیل در قالب شعارهای انتخاباتی حسن روحانی و مهمترین آن یعنی «چرخیدن همزمان چرخ اقتصاد و سانتریفیوژ» فراهم می‌کرد. این صورت‌بندی‌های گفتمانی بدیل در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

دال مرکزی: امنیت مبتنی بر منافع مشترک

در متون سخنرانی‌های حسن روحانی گزاره‌های مرتبط با امنیت، کدگذاری و سپس مقولات مرتبط از دل آنها استخراج شد. بنا به روش شناسی تحلیل گفتمان می‌توان مقولات گفتمانی را معادل عناصر گفتمانی در چهارچوب لاکلا و موف دانست. این بررسی نشان داد که پرتکرارترین مقوله مرتبط با امنیت، مفهوم «منافع مشترک» است که می‌توان آن را دال مرکزی گفتمان حسن روحانی درباره امنیت دانست. روحانی در جمع مدیران ارشد وزارت دفاع در سال ۹۲ تأکید می‌کند که «ما اساساً با همه کشورهای جهان و همسایگان به فکر منافع مشترک هستیم. اینقدر منافع مشترک با همسایگان زیاد است که اگر یک گوشه‌ای مسئله‌ای کوچکی هم باشد قابل حل است» (روحانی، ۱۳۹۲ الف).

روحانی در اینجا بین دال «منافع مشترک» و مقوله «امنیت» به عنوان «مسئله‌ای کوچک» پیوند برقرار می‌کند و منافع مشترک را رافع این مسائل میدانند. او همچنین در اجلاس داووس عدم رعایت «منافع مشترک جوامع» و «منافع همگان» را یکی از مهم‌ترین عوامل مخرب سرمایه جوامع (روحانی، ۱۳۹۲ ب). او حتی بقای نظام‌های سیاسی را وابسته به منفعت‌بخشی به مردم می‌داند. به نظر او «تنها سیاست‌ها و نظام‌های پایدار خواهند ماند که به مردم، آن همه مردم، سود و منفعت برسانند» (روحانی، ۱۳۹۲ ب). روحانی «امنیت و ثبات

جهانی» را در چارچوب «منافع و زمینه‌های مشترک» کشورها تحلیل می‌کند. او در تشریح رویکردهای سیاست خارجی خود به آمادگی ایران برای تعامل سازنده با همه کشورهای جهان بر اساس «منافع متقابل» اشاره و تاکید می‌کند که «آماده‌ایم در چهارچوب احترام متقابل و منافع مشترک با تمام کشورها از آسیا گرفته تا افریقا و اروپا و امریکا، روابط بهتری داشته باشیم» (روحانی، ۱۳۹۲ ج). اشاره به مفاهیمی مانند منافع مشترک، منافع همگان، سرمایه، سود و منفعت و پیوند آنها با برخی از مهمترین مسائل مرتبط با امنیت کشورها مانند بحران‌های زیست محیطی، بقای نظام‌های سیاسی و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشورها، نشان دهنده مفصل‌بندی دال‌های گفتمانی روحانی حول دال مرکزی «منافع مشترک» است. در ادامه به بررسی دال‌های شناور در گفتمان روحانی پرداخته می‌شود.

دال‌های شناور

تحلیل گفتمانی متون نشان می‌دهد که مقولات دیگر مانند ثبات، بازی برد-برد، توسعه اقتصادی، غیرامنیتی‌سازی ایران، امنیت جهانی و فهم مشترک امنیتی از پرتکرارترین دال‌های شناور در سخنرانی‌های حسن روحانی بوده‌اند. همه این دال‌های شناور در پیوند با دال مرکزی یعنی منافع مشترک معنا می‌یابند

دال ثبات: روحانی در اجلاس اقتصادی داووس از «امنیت و ثبات جهانی» به عنوان یکی از مهمترین اهداف کشورها سخن می‌گوید (روحانی، ۱۳۹۲ ب). او همچنین در سخنرانی مراسم ۲۲ بهمن به ضرورت برقراری «ثبات و آرامش و امنیت کل منطقه» اشاره می‌کند (روحانی، ۱۳۹۲ ه). در همین راستا، روحانی در سفر به آمریکا و در جمع اعضای اندیشکده‌های این کشور از ضرورت ایجاد «افغانستان امن و باثبات و توسعه یافته» حرف می‌زند و اینکه «همسایگان هم می‌توانند آن ثبات و امنیت را احساس و لمس کنند» (روحانی، ۱۳۹۲ و).

دال بازی برد برد: روحانی در مصاحبه خود با شبکه سی ان ان در سال ۱۳۹۲ در شرایطی که مذاکرات هسته‌ای در دولت جدید تازه آغاز شده بود تاکید می‌کند که «شرایط فعلی به ضرر همه است. شرایط فعلی، شرایط باخت باخت است، همه ضرر می‌کنند، ما باید شرایط برد برد را فراهم کنیم تا همه سود ببرند» (روحانی، ۱۳۹۲ ز). او در بیان خود از نفع یا ضرر برای همه صحبت می‌کند و حل مسئله هسته‌ای ایران را به نفع همه طرف‌ها می‌داند. همچنین روحانی در اولین سخنرانی سالانه خود در مجمع عمومی سازمان ملل در سال

۱۳۹۲ حل مسئله هسته‌ای ایران را به معنای «پایان بازی با حاصل جمع صفر» و «یافتن اهداف و منافع مشترک برای رسیدن به تفاهم و امنیت مشترک» می‌داند. بنابراین در گفتمان روحانی «امنیت مشترک» در گرو تحقق «منافع مشترک» همه بازیگران بین‌المللی بر اساس بازی برد-برد است.

دال توسعه اقتصادی: یکی از عناصر گفتمانی مورد تاکید روحانی، توسعه اقتصادی به عنوان عامل زمینه‌ساز امنیت است. روحانی امنیت و توسعه را در پیوند با یکدیگر می‌داند. به نظر او «هیچ راهی برای امنیت پایدار و توسعه پایدار نداریم مگر آنکه امنیت خود را امنیت همسایگان و توسعه خود را توسعه همسایگان بدانیم (روحانی، ۱۳۹۲ ل). روحانی در اجلاس اقتصادی داووس اولین پیش شرط برقراری صلح و امنیت در خاورمیانه را «گسترش روابط اقتصادی» می‌داند و تاکید دارد که «اگر لازمه امنیت، توسعه است؛ لازمه توسعه هم، دسترسی به دانش و فناوری است. ایجاد مانع بر سر راه تحقیق و توسعه کشورها، بر بدبینی‌ها و دشمنی‌ها می‌افزاید». روحانی سرمایه‌گذاری و همکاری اقتصادی را عامل ایجاد امنیت می‌داند و از «زمینه‌های وسیع سرمایه‌گذاری و همکاری مشترک امنیت‌ساز» سخن می‌گوید (روحانی، ۱۳۹۲ ب).

همچنین روحانی در سخنرانی در اجلاس سازمان همکاری اسلامی تاکید می‌کند که «ما باید بتوانیم اقتصاد و امنیت را در جهان اسلام به هم پیوند دهیم و از این طریق صلحی دائمی، رشدی پایدار و گسترش فرهنگ اسلامی را به ارمغان آوریم» (روحانی ۱۳۹۲ ح). به نظر می‌رسد که در گفتمان روحانی، تعامل و توسعه اقتصادی منجر به تحقق منافع مشترک میان کشورها و در نتیجه ایجاد امنیت بیشتر می‌شود.

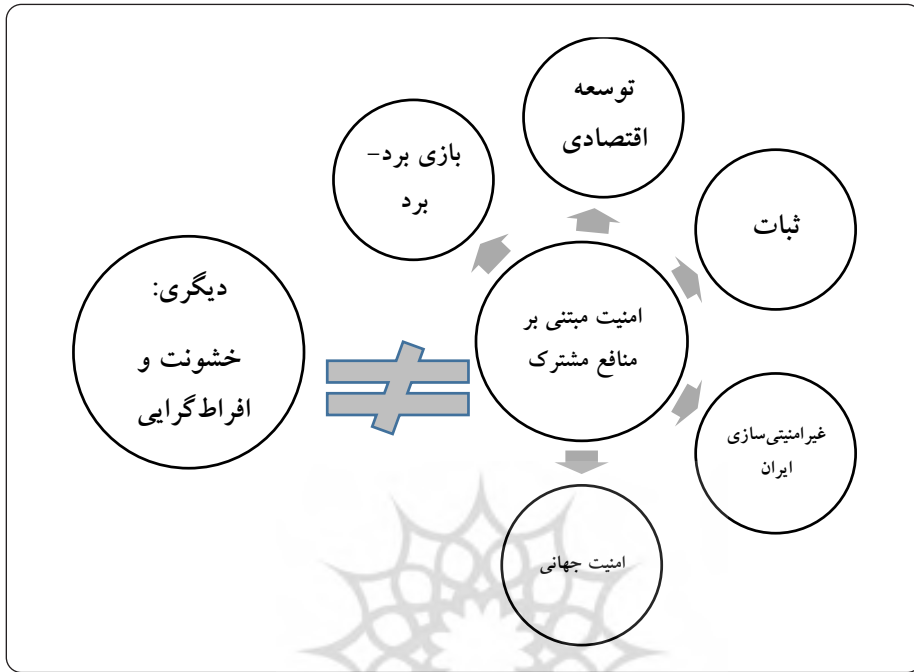
دال غیر امنیتی‌سازی ایران: روحانی تلاش می‌کند گفتمان‌های ایران‌هراسانه در عرصه بین‌المللی را زیر سوال ببرد و خود این گفتمان‌ها را تهدیدی جدی برای امنیت بین‌المللی بازنمایی کند. او در سخنرانی سازمان ملل متحد خود تاکید دارد که «گفتمان‌های تبلیغاتی و بی‌اساس دین‌ستیزانه، اسلام‌هراسانه، شیعه‌هراسانه و ایران‌هراسانه به واقع تهدیدی جدی علیه ثبات جهانی و امنیت انسانی است (روحانی، ۱۳۹۲ ط). روحانی در همین راستا، در سخنرانی در شورای روابط بین‌الملل آمریکا به صورت تلویحی اسرائیل را عامل «تهدید جلوه دادن ایران برای منطقه و جهان» معرفی و تاکید می‌کند که «ادعای تهدید بودن ایران نیز ادعایی است که بی‌اساس بودن آن به دفعات اثبات شده است. همه ما به خوبی می‌دانیم که تحریک‌کننده اصلی در این زمینه کیست» (روحانی، ۱۳۹۲ ی).

دال امنیت جهانی: دال امنیت جهانی اشاره به این دارد که «عرصه جهانی» یکی از سطوح مهم امنیت در گفتمان روحانی است. در این سطح، امنیت کالای عمومی جهانی فرض می‌شود که یا همگان از آن برخوردارند یا هیچکس. روحانی در سخنرانی‌های خود بارها و بارها به امنیت جهانی اشاره کرده است؛ از جمله «منافع ملی، امت اسلامی و امنیت جهانی» را در کنار یکدیگر به کار برده است (روحانی، ۱۳۹۲ ک). او همچنین از تاثیر رابطه ایران و آمریکا بر «امنیت کل جهان» (روحانی، ۱۳۹۲ و) و اهمیت «صلح و امنیت جهانی» برای ایران (روحانی، ۱۳۹۲ ج) سخن می‌گوید. طبعاً در این گفتمان، تحقق امنیت جهانی در گرو تامین منافع همه بازیگران جهانی است.

ضدیت (دیگری): گفتمان سیاست خارجی حسن روحانی بر اساس تقابل و ضدیت با خشونت و افراط‌گرایی صورت‌بندی می‌شود. روحانی در سخنرانی‌های مختلف به مصادیق این خشونت و افراط‌گرایی اشاره می‌کند. بعد از کلیدواژه «ایران»، «نفی خشونت» پرتکرارترین مقوله در اولین سخنرانی روحانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۳۹۲ است. روحانی در این سخنرانی طیفی از موضوعات و مسائل بین‌المللی را در زنجیره هم‌ارزی با یکدیگر قرار داده و آنها را ذیل مقوله خشونت و افراط‌گرایی صورت‌بندی می‌کند. او از «خشونت راهبردی قدرتهای جهانی»، «خشونت نهادینه و ساختاری بر ضد فلسطین»، «خشونت‌های دولتی و غیردولتی و فرقه‌ای و حتی نژادی»، «کردارهای خشن» و «گسترش فاجعه‌آمیز خشونت و افراط در منطقه از جمله در سوریه» سخن می‌گوید (روحانی ۱۳۹۲ ط). روحانی هم تروریسم هم سوء استفاده از مبارزه با تروریسم را از مصادیق افراط و خشونت می‌داند. او از این زاویه به ترور دانشمندان هسته‌ای ایران و تحریم‌های غیرعادلانه بر ضد ایران اشاره می‌کند و این اقدامات را هم مصداق خشونت بر ضد ملت‌ها به حساب می‌آورد (روحانی ۱۳۹۲ ط). به نظر او «راههای خشونت‌آمیز برای بحران‌های جهانی وجود ندارد» بلکه برعکس ایران طرح «جهان علیه خشونت و افراطی‌گری» را پیشنهاد می‌کند تا مبنایی برای «همبستگی جهانی علیه خشونت و افراط» باشد (روحانی ۱۳۹۲ ط).

بنابراین دیگری اصلی در گفتمان سیاست خارجی روحانی، خشونت و افراط‌گرایی است. همانگونه که در نمودار زیر مشخص است، جنبه ایجابی امنیت در گفتمان روحانی، بر اساس منافع مشترک بازیگران بین‌المللی تعریف می‌شود و جنبه سلبی امنیت، بر اساس مقابله مشترک کشورها با شَرّی به نام «خشونت و افراط‌گرایی». این صورت‌بندی گفتمانی در نمودار زیر مشخص است.

نمودار ۳ عناصر گفتمانی حسن روحانی درباره امنیت



گفتمان ابراهیم رئیسی درباره امنیت

سیاست خارجی دولت رئیسی میراث‌دار تنش‌های امنیتی تشدید یافته دوران حسن روحانی بود. از جمله این تنش‌ها می‌توان به آثار ناشی از خروج یکجانبه آمریکا از برجام، تلاش عمدتاً نافرجام دولت ترامپ برای امنیتی‌سازی مجدد برنامه هسته‌ای ایران (مسعودی، ۱۳۹۷)، کاهش تعهدات هسته‌ای ایران، تنش‌های نیابتی ایران و آمریکا در عراق و سوریه، قرار گرفتن نام سپاه پاسداران در لیست گروه‌های تروریستی خارجی آمریکا، ترور سردار سلیمانی در عراق به دستور ترامپ، خرابکاری اسرائیل در تاسیسات هسته‌ای فردو، نطنز و تسای کرج و نیز ترور محسن فخری زاده دانشمند هسته‌ای اشاره کرد. این تنش‌ها باعث شده بود که موضوع امنیت در گفتمان سیاست خارجی دولت رئیسی همچنان برجسته و پررنگ باقی بماند. در این میان، مذاکرات احیای برجام در دولت قبل ناتمام باقی مانده بود و چشم انداز آینده، با وجود وعده رئیسی برای «رفع تحریم‌ها از طریق مذاکره» و «مذاکره از موضع قدرت» همچنان در ابهام قرار داشت.

طبعاً گفتمان سیاست خارجی ابراهیم رئیسی در بستر گسست از گفتمان حسن روحانی شکل گرفت. مواضع و سخنرانی‌های رئیسی در حوزه سیاست خارجی نشان می‌داد او در صدد ارائه صورت‌بندی جدیدی از عناصر گفتمانی در حوزه سیاست خارجی است. جایگزینی عنصر عدالت به جای منافع و احقاق حقوق ملت ایران به جای بازی برد-برد از مهمترین تغییرات در آرایش عناصر گفتمانی دولت جدید بود. در این گفتمان، ایران به نیروی امنیت‌ساز و در مقابل، امریکا به عنوان مخل امنیت و مانعی در مسیر رسیدن به «امنیت مشترک»، «امنیت جمعی» و «امنیت منطقه‌ای» بازنمایی می‌شود. در ادامه به تحلیل گفتمان ابراهیم رئیسی درباره امنیت خواهیم پرداخت.

دال مرکزی: امنیت مبتنی بر عدالت

دال عدالت یکی از عناصر اصلی گفتمان سیاست خارجی ابراهیم رئیسی است. او در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۴۰۰ هفت بار و در سخنرانی سال ۱۴۰۱ خود ۵۰ بار از واژه «عدالت» و صفت «عادلان» استفاده کرده است. این میزان تکرار واژگانی و افزایش معنادار آن در سخنرانی سال ۱۴۰۱ نشان دهنده محوریت مفهوم عدالت در گفتمان ابراهیم رئیسی است. او عدالت را یکی از پیام‌های «ملت بزرگ ایران»، یکی از «اصول اساسی برای حیات انسان معاصر» و «وجه مشترک تمام ادیان ابراهیمی» معرفی می‌کند. رئیسی دال عدالت و امنیت را در پیوند وثیق با هم می‌داند و صراحتاً بیان می‌کند که «صلح و امنیت پایدار در گرو اجرای عدالت است». اجرای عدالت نیز در گرو «تامین حقوق همه ملت‌ها» است و در صورت عدم تحقق آن، «صلح و امنیت جهانی» به مخاطره خواهد افتاد (رئیسی، ۱۴۰۰ الف). به نظر رئیسی «معیار اساسی برای ساخت جهانی بهتر، عدالت است. همه آرمان‌های بشری، نهایتاً با عدالت سنجیده می‌شود». او شکل دهی به «نظم و نظام عادلانه بین‌المللی» یکی از اهداف جمهوری اسلامی در گام دوم انقلاب معرفی می‌کند. به نظر رئیسی «جمهوری اسلامی ایران عمیقاً به عدالت جهانی باور دارد و تبدیل شدن این آرمان متعالی به گفتمانی فراگیر در عرصه جهانی را ضرورتی انکارناپذیر می‌داند» (رئیسی، ۱۴۰۱ ب). او حتی مفاهیم غربی را با دال عدالت پیوند می‌زند و از «جهانی شدن عدالت» و «چندجانبه‌گرایی مبتنی بر عدالت» سخن می‌گوید (رئیسی، ۱۴۰۱ الف).

در چارچوب همین گفتمان، رئیسی دال امنیت را در نسبت با دال مرکزی عدالت تعریف

می‌کند. به نظر او «دست یافتن به امنیت جهانی از هر طریقی غیر از عدالت، پایدار نخواهد ماند» (رئیس‌ی، ۱۴۰۱ الف). او همچنین «تعامل همه‌جانبه مبتنی بر عدالت و معنویت» را مبنای «دستیابی و گسترش صلح و امنیت» می‌داند (رئیس‌ی، ۱۴۰۰ ب). رئیس‌ی در جمع سفرای خارجی مقیم تهران از کشورها می‌خواهد در حفظ «چارچوب‌های همه‌جانبه... مبتنی بر عقلانیت، عدالت، معنویت و اخلاق بکوشند» (رئیس‌ی، ۱۴۰۰ ج). بنابراین با توجه به مفصل‌بندی گفتمانی دال عدالت با دال امنیت و تأکید رئیس‌ی بر پیش شرط بودن عدالت برای برقراری صلح و امنیت، می‌توان عدالت را دال مرکزی گفتمان رئیس‌ی درباره امنیت دانست.

دال‌های شناور

تحلیل گفتمانی امنیت در متون مربوط به ابراهیم رئیس‌ی نشان می‌دهد که مقولات «امنیت مشترک»، «احقاق حقوق ملت‌ها»، «امنیت‌ساز بودن ایران» و «آمریکا مخل امنیت» را می‌توان دال‌های شناور این گفتمان دانست که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

امنیت مشترک: امنیت مشترک یا جمعی به سه مدلول اشاره دارد: امنیت جهانی، امنیت مشترکِ بازیگران منطقه‌ای و امنیت مشترکِ انسان‌ها. در معنای اول، رئیس‌ی تحقق امنیت جهانی را در گرو تحقق عدالت، عدم عادی‌انگاری ظلم و خلع سلاح جهانی می‌داند (رئیس‌ی، ۱۴۰۱ الف). در این راستا، او در اجلاس بریکس پلاس از «ابتکار امنیت جهانی» برای شکل دهی به همکاری‌های سازمان یافته سخن می‌گوید (رئیس‌ی، ۱۴۰۱ ب). در معنای دوم، او اظهار می‌کند که «جمهوری اسلامی ایران معتقد به امنیت مشترک است و امنیت را تفکیک شده نمی‌داند». در اینجا منظور از امنیت مشترک «راه بومی است که صرفاً با مشارکت قدرت‌های منطقه‌ای و بدون مداخله خارجی امکان‌پذیر است» (رئیس‌ی، ۱۴۰۰ ب). پیش شرط این روابط دوستانه با بازیگران منطقه‌ای و همسایگان «روابط عادلانه دوجانبه» و «نظم عادلانه چندجانبه» است که می‌تواند «تأمین‌کننده منافع متقابل» باشد (رئیس‌ی، ۱۴۰۱ ج). در معنای سوم، دال امنیت به امنیت انسانی ارجاع می‌دهد. به نظر رئیس‌ی «کرونا بانگ بیدارباشی برای کل جهان است که امنیت تک‌تک انسان‌ها به هم وابسته است» (رئیس‌ی، ۱۴۰۰ الف). ارجاع به امنیت انسانی فقط محدود به سطح تحلیل خُرد یعنی بحران‌های موثر بر زیست انسانی نیست بلکه در اشاره به عوامل کلان نظام بین‌الملل نیز از تاثیرگذاری این عوامل بر امنیت انسانی صحبت می‌شود؛ آنجا که رئیس‌ی می‌گوید «تلاش جدید برای بلوک‌بندی‌های جنگ سردی

یا منزوی کردن کشورهای مستقل، کمکی به امنیت انسانها نمی‌کند» (رئییسی، ۱۴۰۰ الف). در اینجا میان عوامل ساختاری نظام بین‌الملل (توزیع قدرت بین‌المللی و نقش بازیگران جدید) با امنیت انسانی مفصل‌بندی گفتمانی برقرار می‌شود.

احقاق حقوق ملت‌ها: رئییسی در سخنرانی مجازی خود در مجمع عمومی سازمان ملل به کزات از واژگان مرتبط با «حق و حقوق ملت‌ها» استفاده می‌کند. او در جملات ابتدایی خود از دفاع تاریخی ملت ایران از «حق خود برای تعیین سرنوشت» در برابر سلطه‌گران گفته است. در ادامه دستیابی به عدالت و آزادی را صرفاً با «تامین حقوق همه ملت‌ها» میسر می‌داند و نوعی رابطه علت و معلولی میان «نقض حقوق ملت‌ها» و «به مخاطره افتادن صلح و امنیت جهانی» برقرار می‌کند. در اینجا نوع مفصل‌بندی گفتمانی میان مقولات حق ملت‌ها، امنیت و عدالت برقرار شده است که فضای گفتمان‌گونگی رئییسی در حوزه سیاست خارجی را به تصویر می‌کشد. در این فضا، امنیت معنای خود را بیش از آنکه در مناسبات مدرن میان بازیگران منفعت‌جو بیابد، به جایگاه امر آرمانی میان بازیگران هنجاری که پیشاپیش درباره حقوق و تکالیف‌شان اجماع نظر دارند بر کشیده می‌شود. در بستر همین گفتمان حق محور است که رئییسی به مسائل عینی سیاست خارجی گریز می‌زند و درباره برجام تاکید می‌کند که «ما چیزی بیش از حق خود نمی‌خواهیم. ما خواستار اجرای حقوق بین‌الملل هستیم. همه طرف‌ها باید به توافق هسته‌ای و قطعنامه‌های سازمان ملل متحد در عمل پایبند بمانند» (رئییسی، ۱۴۰۰ الف). بنابراین رئییسی در سخنرانی سازمان ملل تلاش می‌کند راه حل خود برای مهمترین موضوع امنیتی و سیاست خارجی ایران را با استفاده از عناصر هنجاری مانند حق و عدالت صورت‌بندی کند.

ایران بازیگر امنیت‌ساز: رئییسی تلاش می‌کند با فراتر رفتن از مرحله غیرامنیتی‌سازی ایران که در گفتمان دولت روحانی دنبال می‌شد، ایران را بازیگری امنیت‌ساز در عرصه بین‌المللی تصویر کند. به گفته رئییسی «انقلاب اسلامی ایران الهام‌بخش است؛ قدرت برآمده از آن نیز، امنیت‌ساز است» (رئییسی، ۱۴۰۰ الف). در اینجا رئییسی میان دو عنصر قدرت و امنیت مفصل‌بندی گفتمانی برقرار می‌کند. اما ماهیت این قدرت نیز در مفصل‌بندی با عنصر الهام‌بخشی انقلاب اسلامی معنا می‌یابد؛ یعنی برخلاف تصویرسازی غربی از انقلاب اسلامی که آن را عامل برهم خوردن ثبات و امنیت خاورمیانه می‌داند، رئییسی تلاش می‌کند قدرت الهام‌بخشی انقلاب اسلامی را قدرتی امنیت‌ساز بازنمایی کند.

آمریکا مخل امنیت: اشاره مستقیم به امریکا به عنوان مخل امنیت منطقه و جهان در گفتمان رئیسی به کرات وجود دارد. رئیسی با انتقاد از سیاست «ظلم حداکثری» امریکا در قبال ایران تاکید می‌کند که پیگیری این سیاست به این معناست که امریکا «منافع‌اش با منافع جمعی منطقه ما سازگار نیست» (رئیسی، ۱۴۰۰). همچنین به نظر رئیسی «حضور نامشروع نیروهای اشغالگر رژیم امریکا به عاملی بی‌ثبات کننده برای سوریه و منطقه تبدیل شده است» (رئیسی، ۱۴۰۱). او اظهار می‌کند که «مقاومت ملت‌های منطقه ... منجر به شکست سیاست لشکرکشی و اشغال و مجبورشدن امریکا به فرار از عراق و افغانستان» شده است (رئیسی، ۱۴۰۰). در این بیان، رئیسی جفت دوگانه میان «مقاومت ملت‌ها» و «اقدامات امریکا» ایجاد می‌کند. او در ادامه مفصل‌بندی بیناگفتمانی میان دو مفهوم متعلق به دو فضای گفتمان گونگی متفاوت یعنی «مقاومت» و «بازدارندگی» ایجاد می‌کند. به نظر او «در دوران جدید، مفهوم مقاومت، نقش محوری در معادلات بازدارندگی ایفا می‌کند» (رئیسی، ۱۴۰۰). در اینجا مفهوم مقاومت در نظم گفتاری جمهوری اسلامی ایران، با مفهوم بازدارندگی در نظم گفتاری واقع‌گرایی روابط بین‌الملل مفصل‌بندی می‌شود. دوگانه‌سازی در گفتمان رئیسی زمانی در آشکارترین شکل آن تبلور می‌یابد که امریکا را در «ضعیف‌ترین وضعیت خود» و کشورهای مستقل را در «رشدی تاریخ‌ساز» در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد. او همچنین از «ائتلاف شیطنانی امریکا با تروریست‌های تکفیری» صحبت می‌کند و بلافاصله مطرح می‌کند که «این اندیشه ناب اسلامی است که توان ممانعت از شکل‌گیری افراط‌گرایی و تروریسم تکفیری را دارد» (رئیسی، ۱۴۰۰). در این بیان، نوعی زنجیره هم‌ارزی میان امریکا و تروریست‌های تکفیری برقرار شده است؛ به این معنا که هویت این کنشگران و ماهیت اقدامات آنها هر دو به یک میزان شیطنانی فرض می‌شود. در عین حال، رابطه ضدیت میان این بازیگران شیطنانی و اندیشه ناب اسلامی ساخته می‌شود. نقطه ارجاع این اندیشه ناب اسلامی همان «اسلام ناب محمدی» است که ایران خود را منادی گفتمانی آن می‌داند. همه این دال‌های شناور در نسبت متضاد با «سلطه‌گری» قرار دارند که در ادامه بررسی می‌شود.

ضدیت (دیگری)

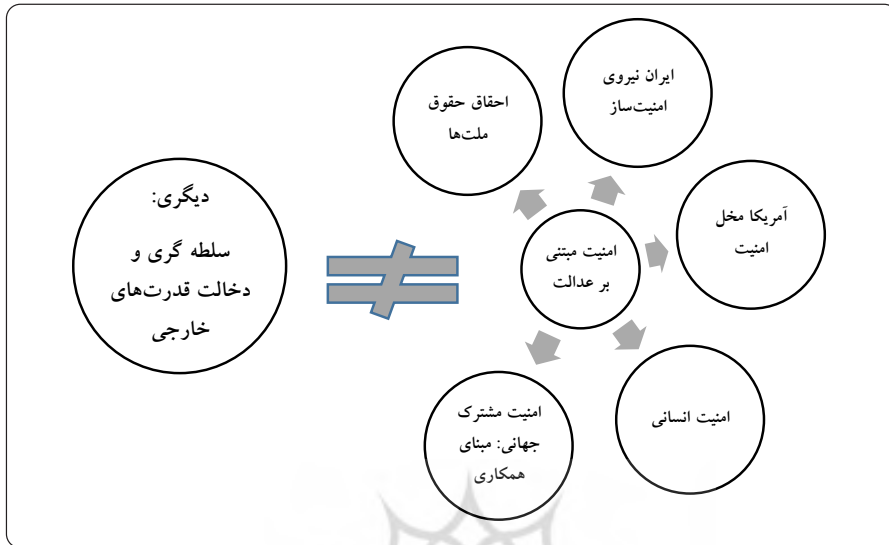
همان طور که در بالا اشاره شد ضدیت با امریکا نقش مهمی در صورت‌بندی گفتمان سیاست خارجی ابراهیم رئیسی دارد. اما برای فهم دقیق‌تر رابطه خود و دیگری در این گفتمان،

باید به دنبال مقوله‌ای گشت که در تضاد با دال مرکزی این گفتمان یعنی عدالت معنا می‌یابد و امریکا مصداق عینی آن مقوله کلی فرض می‌شود. به نظر می‌رسد که این مقوله کلی، «سلطه‌گری و دخالت قدرتهای خارجی» است که در سخنان او بارها مورد اشاره قرار گرفته است. رئیسی روابط بین‌الملل موجود را «حاصل سیاست‌های سلطه‌طلبانه» می‌داند و با ارجاع به دال مرکزی گفتمان خود یعنی عدالت تاکید می‌کند که «تحقق عدالت در سطح جهان مستلزم بازتعریف روابط کشورهای توسعه یافته با کشورهای در حال توسعه است» (رئیسی، ۱۴۰۰، ۵).

رئیسی به «عدالت، اخلاق و معنویت» به عنوان اصول جامعه جهانی مطلوب اشاره می‌کند و جدایی سیاست از این اصول را عامل «ساختارمندی ظلم» و «موجبات سلطه» به جای عدالت می‌داند (رئیسی، ۱۴۰۰، ۵). اینجا سلطه به مثابه ظلم ساختاری در مقابل عدالت قرار می‌گیرد. رئیسی از رویارویی ملت ایران با سلطه‌طلبان سخن می‌گوید (رئیسی، ۱۴۰۰، الف). به نظر او «جنگ و خشونت و ناامنی و تفرقه میان ملت‌ها» نتیجه «نظام بین‌المللی مبتنی بر استیلا و سلطه» بوده است (رئیسی، ۱۴۰۰، ۵). در این ادراک، سلطه‌گری علت ناامنی بین‌المللی است. اگرچه آمریکا در رویارویی با مقاومت ملت‌ها، شکست خورده و به تعبیر رئیسی «نظام سلطه امریکا بی اعتبار شده است» (رئیسی، ۱۴۰۰، الف)، اما نتایج و اشکال جدید سلطه همچنان تداوم داشته است.

بر اساس این گفتمان، تروریسم یکی از «محصولات جانبی سلطه‌گری» تلقی می‌شود و بنابراین مبارزه ایران با تروریسم در واقع همان مبارزه با سلطه‌گری است. مصادیق دیگر سلطه‌گری امریکانیز در قالب «تحریم اقتصادی، بی‌ثبات‌سازی، ترویج ناامنی و روایت‌سازی‌های جعلی» تداوم یافته است (رئیسی، ۱۴۰۰، ۵). رئیسی خطاب به اعضای سازمان شانگهای هم تاکید می‌کند که «سلطه‌گری و یکجانبه‌گرایی رو به افول است. نظام بین‌الملل به سوی چند قطبی شدن و باز توزیع قدرت به سود کشورهای مستقل، در حال تغییر است» (رئیسی، ۱۴۰۰، ب). در این بیان می‌توان نشانگان گفتمان امنیت مبتنی بر عدالت را در کاربرد مفاهیمی مانند «بازتوزیع قدرت» مشاهده کرد؛ به این معنا که از نظر رئیسی، جهان چند قطبی که کشورهای مستقل در آن از سهم قدرت بیشتری برخوردارند، جهان امن تری خواهند بود. این صورت بندی گفتمانی در نمودار زیر مشخص است.

نمودار ۴ عناصر گفتمانی ابراهیم رئیسی درباره امنیت



مهم‌ترین تمایز گفتمان روحانی و رئیسی به دال مرکزی آنها مربوط است. دال مرکزی گفتمان روحانی، منافع مشترک و دال مرکزی گفتمان رئیسی، عدالت است. به عبارت دیگر، روحانی امنیت را از طریق تحقق منافع مشترک بازیگران بین‌المللی جستجو می‌کند اما رئیسی از طریق تحقق عدالت در عرصه بین‌المللی. نمود این صورت‌بندی گفتمانی را می‌توان در سخنرانی هر دو نفر خطاب به مجمع عمومی سازمان ملل متحد مشاهده کرد؛ آنجا که روحانی از «اعتمادسازی متقابل» و «رفع دوسویه ابهامات»، «تعامل سازنده بر اساس احترام متقابل و منافع مشترک با دیگر کشورها» و «تنش‌زدایی با آمریکا» صحبت می‌کند و رئیسی بر «اجرای عدالت»، «جهانی‌شدن عدالت» و «چندجانبه‌گرایی مبتنی بر عدالت» تأکید دارد.

بر این اساس می‌توان گفت گفتمان روحانی مبتنی بر این پیش‌فرض لیبرال بنا شده است که کشورها علی‌رغم اختلاف‌نظرها، می‌توانند با اعتمادسازی و رفع سوءبرداشت‌ها، حوزه‌ای از منافع مشترک را تعریف کنند و سیاست خارجی خود را بر اساس بازی برد-برد پیش ببرند. انعقاد برجام نشان داد که این امکان حتی در امنیتی‌ترین موضوعات مانند برنامه هسته‌ای هم امکان‌پذیر است. در مقابل، رئیسی عمدتاً از دریچه اصول و هنجارهایی مانند عدالت و حق‌مداری به سیاست خارجی و مقولات امنیتی می‌نگرد و معتقد است که از طریق روابط

عدالانه دوجانبه و نظم چندجانبه‌گرایی مبتنی بر عدالت می‌توان به همکاری‌های سازمان‌یافته به خصوص در قالب روابط جنوب - جنوب رسید که منافع متقابل کشورها را محقق می‌کند. تمایز دیگر، مأموریت متفاوتی است که روحانی و رئیسی برای تاثیرگذاری بر گفتمان‌های امنیتی مرتبط با ایران در عرصه بین‌المللی برای خود تعریف کرده‌اند. روحانی در برهه اوج‌گیری تنش‌های بین‌المللی به جا مانده از دوران احمدی‌نژاد به قدرت رسید و مأموریت خود را غیرامنیتی‌سازی ایران به معنای تهدیدزدایی و اتهام‌زدایی از ایران قرار داد. او در این راستا در صدد به چالش کشیدن تصویرسازی‌های منفی محافل رسانه‌ای و سیاستگذاری غربی از ایران بر آمد. اما رئیسی در شرایطی به قدرت رسید که از نظر او اقدامات اعتمادساز ایران با پاسخ متناسب طرف‌های دیگر مواجه نشده بود و بنابراین ایران باید از مرحله اعتمادسازی عبور کرده و نقش امنیت‌ساز خود در عرصه بین‌المللی را از طریق تولید گفتارهای متناسب با این نقش تثبیت کند.

تمایز دیگر به چشم‌انداز وضعیت امنیتی جهان در این دو گفتمان مربوط می‌شود. روحانی نظام بین‌الملل را در «دوران حساس انتقالی» می‌داند که خطرها و فرصت‌هایی را برای همه بازیگران بین‌المللی ایجاد می‌کند اما رئیسی با قطعیت از شروع دوران جدید در عرصه بین‌المللی سخن می‌گوید که سه ویژگی مشخص دارد: افول سلطه طلبی، چندقطبی شدن جهان و بازتوزیع قدرت به سود کشورهای مستقل. از این منظر می‌توان تفاوت رویکردهای روحانی و رئیسی را به خوبی مشاهده کرد؛ روحانی از آینده نامطمئن سخن می‌گوید که فرصت‌ها و در عین حال خطراتی را برای همه بازیگران بین‌المللی از جمله ایران پدید می‌آورد. اما رئیسی آینده جهان را کاملاً در راستای قدرت‌یابی و افزایش ضریب امنیتی کشورهای مستقلی مانند ایران تفسیر می‌کند.

روحانی و رئیسی از نظر ادراک از آمریکا و نحوه ارجاع گفتمانی به این کشور نیز تفاوت‌هایی دارند. روحانی عمدتاً آمریکا را به شکل غیرمستقیم مورد اشاره قرار می‌دهد در حالی که رئیسی اشارات مستقیم زیادی به آمریکا دارد. به عنوان نمونه روحانی در اولین سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل فقط دو بار به شکل مستقیم از آمریکا نام می‌برد اما رئیسی در اولین سخنرانی خود در مجمع عمومی هیجده بار مستقیماً به آمریکا اشاره می‌کند. روحانی ساختار سیاسی آمریکا را یکپارچه نمی‌بیند و قائل به نقش «گروه‌های فشار جنگ طلب» در سیاست‌گذاری خارجی این کشور است؛ به همین دلیل، مدیریت اختلافات

میان ایران و آمریکا را به «شنیدن صدای واحد» از واشنگتن منوط می‌داند. در مقابل، رئیسی ساخت سیاسی آمریکا را به شکل بازیگر یکپارچه در نظام سلطه درک می‌کند. در عین حال، رئیسی به ناسازگاری‌های درونی جامعه آمریکا که منجر به بروز رویدادهایی مانند حمله معترضان به ساختمان کنگره در سال ۲۰۲۱ شد توجه دارد ولی این ناسازگاری‌ها را منجر به بی‌اعتبارشدن کلیت نظام سلطه آمریکا می‌داند نه عامل اختلاف نظر درباره سیاست خصمانه در قبال ایران. اگر نحوه ادراک گفتمانی روحانی و رئیسی از آمریکا را در کنار هم قرار دهیم، می‌توان به این تلقی رسید که روحانی میان بازیگران رادیکال و معتدل موثر بر سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران تمایز نسبی قائل است و از این طریق، روزنه برای تعامل احتمالی با بازیگران معتدل تر را آنگونه که در برجام اتفاق افتاد باز نگه می‌دارد، اما رئیسی به این تمایز قائل نیست و امیدوار است که با تکرار اتفاقات «تاریخ‌ساز» مانند هجوم مردم آمریکا به ساختمان کنگره، سلطه‌گری آمریکا در قبال ایران از بین برود. از قضا تداوم نسبی سیاست‌های ضدایرانی در دوره بایدن، با وجود برخی تغییرات رتوریک نسبت به ایران، به تقویت این ادراک یکپارچه‌انگار از آمریکا در دولت رئیسی کمک کرده است.

نتیجه‌گیری

سوال اصلی مقاله این بود که حسن روحانی و ابراهیم رئیسی چه گفتمان‌هایی نسبت به مقوله امنیت در برهه ابتدایی تشکیل دولت یعنی یک سال اول داشته‌اند؟ با تحلیل گفتمان سخنانی‌های روحانی نشان داده شد که دال مرکزی این گفتمان، امنیت مبتنی بر منافع مشترک است؛ به این معنا که امنیت از مسیر تعریف و تحقق منافع مشترک ایران و بازیگران بین‌المللی به خصوص قدرت‌های جهانی به دست می‌آید. عناصر تکوین‌بخش این نظم گفتمانی شامل بازی برد-برد، توسعه اقتصادی، ثبات در نظام بین‌المللی، امنیت جهانی و غیرامنیتی‌سازی ایران هستند. این گفتمان در ضدیت با خشونت و افراط‌گرایی به مثابه «دیگری» شکل می‌گیرد که به خصوص در اولین سخنانی روحانی در مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۳۹۲ مشهود بود.

روحانی می‌خواست صدایی از ایران انعکاس دهد که از یک سو، انعکاس دیگرسازی در عرصه سیاست داخلی در تضاد با افراط‌گرایی دولت احمدی‌نژاد است و از سوی دیگر، درصد ترمیم وجهه آسیب‌دیده بین‌المللی ایران و غیرامنیتی‌سازی ایران در عرصه بین‌المللی

است. محصول اصلی این نظم‌گفتمانی، انعقاد برجام برای حل مسئله هسته‌ای به عنوان مهم‌ترین پرونده امنیتی جمهوری اسلامی در حوزه سیاست خارجی بود. یکی از مهم‌ترین اهداف برجام این بود که با غیرامنیتی‌سازی ایران، زمینه شکل‌گیری منافع مشترک در سایر حوزه‌ها را فراهم کند. اما با کارشکنی بازیگران مخرب و نهایتاً خروج دولت ترامپ از برجام، نه تنها این اتفاق نیفتاد بلکه خوش‌بینی‌های غیرواقع‌بینانه نسبت به چشم‌انداز کار اقتصادی با غرب، جستجوی منافع مشترک پایدار با سایر بازیگران بین‌المللی را نیز به مخاطره انداخت. در مقابل، گفتمان رئیسی در گسست از گفتمان روحانی شکل گرفت. دال مرکزی گفتمان رئیسی را می‌توان امنیت مبتنی بر عدالت دانست. او ترتیبات عادلانه در عرصه بین‌المللی یا همان چندجانبه‌گرایی عادلانه را عامل دستیابی به صلح و امنیت بین‌المللی و جهانی شدن عدالت می‌داند. عناصر این گفتمان شامل احقاق حقوق ملت‌ها، امنیت انسانی، امنیت مشترک، ایران امنیت‌ساز و آمریکای مخل امنیت هستند که در ضدیت با سلطه‌گری و دخالت قدرت‌های خارجی معنا می‌یابند. آمریکا به عنوان مصداق بارز سلطه‌گری جهانی، نقش مهمی در تثبیت معنایی این گفتمان بازی می‌کند. رئیسی امید وافر دارد که با چندقطبی شدن جهان و بازتوزیع عادلانه قدرت در عرصه بین‌المللی، جایگاه قدرت‌های نوظهور تثبیت شود و در نتیجه، امنیت آنها در مقابل تهدید سلطه‌گران ارتقاء یابد. بررسی مقایسه‌ای این دو گفتمان نشانگر وجود تمایزهای مهم بین آنهاست. دال‌های مرکزی متفاوت شامل منافع/عدالت، امکان/عدم امکان تعریف منافع مشترک با قدرت‌های جهانی به خصوص آمریکا، توجه به وجوه مردمی امنیت، مأموریت‌های متفاوت برای غیرامنیتی‌سازی / امنیت‌ساز بودن ایران و مخاطره آمیز بودن / فرصت‌ساز بودن دوران گذار نظام بین‌الملل از جمله مهم‌ترین تمایزهای گفتمانی روحانی و رئیسی هستند.

منابع

- روحانی، حسن (۱۳۹۲ الف)، متن کامل سخنان رییس جمهوری در همایش مدیران ارشد وزارت دفاع (شنبه ۱۰ اسفند)، <https://president.ir/fa/75602/printable>
- روحانی، حسن (۱۳۹۲ ب)، متن کامل سخنرانی رییس جمهوری در چهل و چهارمین اجلاس مجمع جهانی اقتصاد در داووس (۵ شنبه ۳ بهمن)، <https://president.ir/fa/74850/printable>
- روحانی، حسن (۱۳۹۲ ج)، متن کامل سخنان رییس جمهوری در جمع سفرا و رؤسای دفاتر نمایندگی کشورهای خارجی در ایران (۲۱ بهمن) <https://president.ir/fa/74850/printable>
- روحانی، حسن (۱۳۹۲ ح)، متن کامل سخنان رییس جمهوری در افتتاحیه نهمین کنفرانس اتحادیه مجالس کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اسلامی (۲۹ بهمن) <https://president.ir/fa/75092/printable>
- روحانی، حسن (۱۳۹۲ ز)، متن کامل مصاحبه رییس جمهور با شبکه CNN (۳ مهر) <https://president.ir/fa/71707/printable>
- روحانی، حسن (۱۳۹۲ ط)، متن کامل سخنرانی رئیس جمهوری در شصت و هشتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۳ مهر) <https://www.president.ir/fa/71572>
- روحانی، حسن (۱۳۹۲ ک)، متن کامل سخنرانی در مراسم تودیع و معارفه وزیر کشور (۲۸ مرداد) <https://president.ir/fa/70882/printable>
- روحانی، حسن (۱۳۹۲ و)، متن کامل سخنرانی و پرسش و پاسخ در دیدار با اعضای اندیشکده‌های امریکایی (۴ مهر) <https://president.ir/fa/81842/printable>
- روحانی، حسن (۱۳۹۲ ه)، متن کامل سخنان رییس جمهوری در مراسم سی و پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی (۳ شنبه ۲۲ بهمن) <https://president.ir/fa/74860/printable>
- روحانی، حسن (۱۳۹۲ ی)، متن کامل سخنرانی دکتر روحانی در جمع اعضای انجمن آسیایی شورای روابط بین‌الملل آمریکا (۵ مهر) <https://president.ir/fa/71853/printable>
- روحانی، حسن (۱۳۹۲ ک)، متن کامل سخنرانی در مراسم تودیع و معارفه وزیر کشور، (۲۸ مرداد)، <https://president.ir/fa/70882/printable>
- روحانی، حسن (۱۳۹۲ ل)، متن کامل سخنرانی در جمع استادان و دانشگاہیان کشور عمان (مسقط) (۲۲ اسفند)، <https://president.ir/fa/82197/printable>
- رئیسی، ابراهیم (۱۴۰۰)، نشست خبری رئیس جمهور منتخب. Available at <https://president.ir/fa/130035/printable>. (Accessed June 1, 2022).

- رئیسی، ابراهیم (۱۴۰۰ الف)، سخنرانی رییس جمهوری در هفتاد و ششمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل (۳۰ شهریور) <https://www.president.ir/fa/131480>
- رئیسی، ابراهیم (۱۴۰۰ ب)، سخنرانی رییس جمهوری در اجلاس سران شانگهای، <https://president.ir/fa/131302/printable>
- رئیسی، ابراهیم (۱۴۰۰ ج)، سخنرانی آیت‌الله رئیسی در دیدار سفرای خارجی مقیم تهران به مناسبت بزرگداشت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی (۲۱ بهمن) <https://president.ir/fa/134507/printable>
- رئیسی، ابراهیم (۱۴۰۰ د)، سخنرانی رییس جمهوری در دومای روسیه (۳۰ بهمن) <https://president.ir/fa/134028/printable>
- رئیسی، ابراهیم (۱۴۰۰ ه)، سخنرانی رییس جمهوری در اجلاس سازمان همکاری اقتصادی (اکو) (۷ آذر) <https://president.ir/fa/132949/printable>
- رئیسی، ابراهیم (۱۴۰۱ الف)، سخنرانی در هفتاد و هفتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد، (۳۰ شهریور) <https://president.ir/fa/131474>
- رئیسی، ابراهیم (۱۴۰۱ ب)، سخنرانی در اجلاس مجازی بریکس پلاس، (۳ تیر)، <https://president.ir/fa/137493>
- رئیسی، ابراهیم (۱۴۰۱ ج)، سخنرانی در ششمین اجلاس کشورهای ساحلی خزر (۸ تیر) <https://president.ir/fa/137626>
- رئیسی، ابراهیم (۱۴۰۱ د)، سخنرانی در هفتمین اجلاس سران کشورهای ضامن روند آستانه (۲۸ تیر) <https://president.ir/fa/138092>
- سیف زاده، حسین (۱۳۸۳)، تقریرات درس اصول روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
- ظریف، محمد جواد، علی اکبر صالحی، عباس عراقچی و مجید تخت‌روانچی. (۱۴۰۰) راز سر به مهر: کوششی سترگ برای حقوق، امنیت و توسعه ایران: اطلاعات.
- مسعودی، حیدرعلی (۱۳۹۷)، فرهنگ راهبردی آمریکا و امنیتی سازی مجدد ایران در دوره ترامپ. امنیت پژوهی ۱۷ (۶۱): ۱۱۵-۱۳۵.
- ACHARYA, AMITAV (2018), Constructing global order. Agency and change in world politics / Amitav Acharya, American University, Washington, DC. Cambridge: Cambridge University Press.

- ADLER, EMANUEL (2007), Imagined (Security) Communities: Cognitive Regions in International Relations. In International security: widening security. Vol 3, edited by Barry Buzan and Lene Hansen: SAGE Publications.
- ADLER, EMANUEL, AND MICHAEL BARNETT (1998), Security Communities. New York: Cambridge University Press.
- BUZAN, BARRY, AND LENE HANSEN (2009), The evolution of international security studies. Cambridge: Cambridge University Press.
- BUZAN, BARRY, OLE WÆVER, JAAP DE WILDE, Eds (1998), Security. A new framework for analysis. Boulder, Colo., London: Lynne Rienner.
- HANSEN, LENE (2006), Security as practice. discourse analysis and the Bosnian war. New York: Routledge.
- IKENBERRY, G. JOHN (2011), Liberal leviathan. The origins, crisis, and transformation of the American world order / G. John Ikenberry. Princeton, N.J., Woodstock: Princeton University Press.
- LACLAU, ERNESTO, AND CHANTAL MOUFFE (1985), hegemony and Socialist Strategy Towards a Radical Democratic Politics Second Edition. New York: Verso.
- MILLIKEN, JENNIFER (1999), The Study of Discourse in International Relations. : A Critique of Research and Methods. European Journal of International Relations.
- MITZEN, J. (2006), Ontological Security in World Politics. State Identity and the Security Dilemma. European Journal of International Relations 12 (3): 341-370.
- MORGENTHAU, HANS J., AND KENNETH W. THOMPSON (1993), Politics among nations: The struggle for power and peace. New York [etc.]: McGraw-Hill.
- NYE, JOSEPH S., AND DAVID A. WELCH (2017), Understanding global conflict and cooperation. An introduction to theory and history. Boston: Pearson.
- WALTZ, KENNETH N. (2006), Structural realism after the Cold War. In Perspectives on world politics, edited by Richard Little and Michael Smith. London, New York: Routledge